

جان استاین بک

خوشه‌های خشم

www.ketab.ir

ترجمه‌ی

رضا اسکندری



نشر به سخن

سرشناسه:	استاین بک، جان ارنست ۱۹۶۸ - ۱۹۰۲ م.
	Steinbeck, John Ernst
عنوان و نام پدیدآور:	خوشه‌های خشم / جان استاین بک: ترجمه‌ی رضا اسکندری.
مشخصات نشر:	تهران: نشر به‌سخن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۷۰۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۷-۲۶-۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	The grapes of wrath عنوان اصلی:
موضوع:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
موضوع:	American fiction - 20th century
شناسه افزوده:	اسکندری، رضا ۱۳۵۸ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ خ ۹۲۳ س / PS ۳۵۰۳
رده‌بندی دیویی:	۸۱۳/۵۴
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۴۳۰۵۲۸۰



خوشه‌های خشم

جان استاین‌بک

ترجمه‌ی رضا اسکندری

چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۳ ه. ش.

۵۰۰ نسخه

لینوگرافی مهر، چاپ گلچین مهر، صحافی رنوف
نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات به سخن

سرپرست گروه تولید: آناهیتا جواهری

طرح جلد: احمد قلیزاده

همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۷-۲۶-۱

ناشر همکار: انتشارات مجید

آدرس دفتر: تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۷۸۴۵۳ - ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

www.majidpub.com

یادداشت مترجم

زمانی که جان شتاین‌بک، یا -با کمی ارفاق به ما فارسی‌زبانان- جان اشتاین‌بک که تلفظ نامش در کشور ما -تنها خدا می‌داند از کجا- به صورت جان اشتاین‌بک^۱ جا افتاده است، تصمیم به نگارش رمان خوشه‌های خشم گرفت، در یادداشتی عنوان کرد: «قصد دارم [با نوشتن این کتاب] برجستگی از شهرم بر چهره‌ی حرام‌زادگان طماعی که مسبب این رخداد [رکود اقتصادی دهه‌ی ۳۰ میلادی امریکا و تبعات آن] شدند، بچسبانم.»

و پس از انتشار کتاب، صادقانه گفت: «در نگارش این کتاب، تمام تلاشم را کرده‌ام تا اعصاب و روان خواننده را پاره‌پاره کنم.» که اگر منصفانه بگوییم این آخری، چیزی جز حقیقت محض نیست.

خوشه‌های خشم، حکایت یکی از صدها هزار خانواده‌ای است که در دهه‌ی پایانی ۳۰ میلادی به خاطر هجوم شن‌های روان، ناگزیر از دیار خود کوچ کرده، به قصد سرزمین موعود (کالیفرنیا) تن و دل به جاده سپردند. این کتاب، به خاطر همذات‌پنداری‌اش با مهاجران فراری و جنبش‌های کارگری در دوره‌ی رکود اقتصادی با مخالفت‌های زیادی روبه‌رو شده و بارها توسط «اتحادیه‌ی زمین‌داران ایالات متحده» به شکل نمادین سوزانده شد. هم‌چنین در کشور شوروی سابق توسط استالین

۱. خواننده‌ی عزیز، توجه داشته باشید که در این مورد از منابع مورد اعتماد بی‌شمار، از جمله دوستان امریکایی پرسیده و به شما اطمینان می‌دهم که با خیال راحت می‌توانید به این غلط جاافتاده پایان دهید. -م.

تحریم شد؛ چرا که نشر این واقعیت که خانواده‌ای از طبقه‌ی فرودست در ایالات متحده، توانایی مالی خرید یک دستگاه اتومبیل را دارد، چندان به مذاق وی خوش نمی‌آمد؛ اما مهم‌تر از همه... خوشه‌های خشم، در مقیاس وسیعی خوانده شد.

این اثر پس از انتشار در سال ۱۹۳۹، به‌عنوان پرفروش‌ترین کتاب سال، برنده‌ی جایزه‌ی کتاب ملی و برنده‌ی جایزه‌ی ادبی پولیتزر انتخاب شد و در سال ۱۹۶۲ که جان استاین‌بک جایزه‌ی نوبل ادبیات را به خانه برد، کمیت‌ی جایزه‌ی نوبل، رمان خوشه‌های خشم را به‌عنوان یکی از دلیل‌های اصلی نیل وی به این مقام عنوان کرد.

استاین‌بک، در این اثر به‌طور مداوم رفتارهای غیرانسانی بشر در حق بشر را به چالش کشیده و بارها و بارها بر این نکته تأکید می‌کند که درد و رنجی که عارض مهاجران شی‌های روان شد، نه ناشی از وضعیت اقلیمی نامساعد یا تنها بخت نامراد؛ بلکه به‌خاطر حرص و آز هم‌وطنان‌شان بود. در آن دوره، شرایط تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، مردم امریکا را به دو دسته‌ی ثروتمند و فقیر، مالک و مستأجر تقسیم کرد و طبقه‌ی فرادست برای حفظ موقعیت‌شان، از هیچ عمل پست و شنیعی فروگذار نکردند. اگرچه، پیامدهای حرص و طمع انسان‌ها در مقیاس کلان و بهایی که قشر پایین‌دست جامعه بابت آن می‌پردازد، پدیده‌ی نادری در کره‌ی خاکی نیست.

و اما موضوع حایز اهمیتی که درمورد ترجمه‌ی این رمان لازم به‌ذکر می‌دانم، مربوط به پانویس‌های آن است. در ابتدا باید به‌اطلاع خواننده‌ی عزیز برسانم که نسخه‌ی اصلی کتاب، فاقد هر نوع پانویس و فراخور اطلاعات و ادبیات خوانندگان امریکایی آن دوره نگاشته شده بود که برای روشن شدن تمامی نکته‌های لحاظ‌شده در آن برای خواننده‌ی فارسی‌زبان، نیازمند تحقیق و مطالعات جنبی فراوانی بود.

به‌شخصه زمانی که کوچک‌تر بودم، هرگاه در مطالعه‌ی کتابی به پانویس برخورد می‌کردم، بیش‌تر وقت‌ها بدون مطالعه از آن رد می‌شدم.

معتقد بودم که متن اثر مهم است و نه حاشیه‌ی آن؛ اما حال که از زاویه‌ی دید یک مترجم به آثار ادبی می‌نگرم، به‌طور عمیقی بر این حقیقت باور دارم که هر پانویسی که مترجم به متن کتاب می‌افزاید، حاصل رمزگشایی سِرّی ست نهفته در دل آن که گاهی حاصل ساعت‌ها تحقیق و تفحص بوده و دست‌کم در نظر مترجم، از وزن و ارزشی بالا برخوردار است. لذا، از شما خواننده‌ی محترم خواستارم، در مطالعه‌ی این کتاب - و هر کتاب دیگری - پانویسی را از قلم نیندازید، تا در لذت کشف رمزهای کتاب با مترجم سهیم باشید.

رضا اسکندری آذر

اردیبهشت ۱۳۹۵